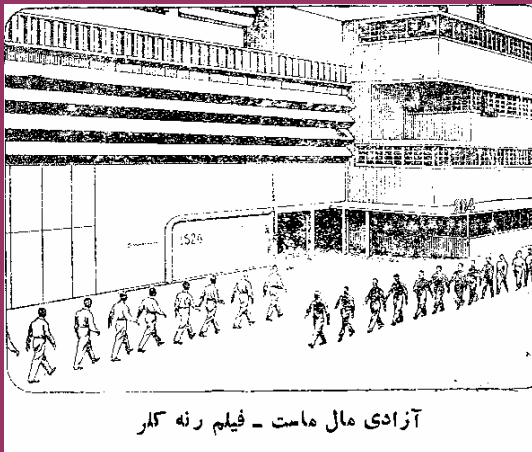




۲۸۴

بخشی از کتاب



آزادی مال ماست - فیلم رنه کار



تهران ۱۳۲۷

### فهرست مطالب

صفحه	
۴	دفعه مؤلف
۵	فصل اول - اختراع سینما
۱۳	فصل دوم - سینا وسیله نمایش و تماشا
۲۹	فصل سوم - سینما در ۱۹۱۶-۱۹۰۰
۳۷	فصل چهارم - سینما در ۱۹۲۲-۱۹۱۵
۴۶	فصل پنجم - عصر طلایی سینمای بیس
۶۴	فصل ششم - سینمای صدا و ناطق
۹۴	فصل هفتم - کارگردان
۱۰۴	فصل هشتم - ستارگان
۱۱۱	فصل نهم - اشکال متحرک و فیلمهای تفریحی
۱۳۲	فصل دهم - آزمایشهای امروز سینمای فردا

با ۷۵ تصویر

# فصل اول

## اختراع سینما

**پول والری** نویسنده و شاعر فرانسوی غار **افلاطون** (۱) را تبدیل بتاریکخانه عکاسی نموده است وی این فکر را در ما القاء مینماید که « هرگاه افلاطون مدخل غار خود را تبدیل بسورخ بسیار کوچکی میکرد و دیواری را که بمنزله پرده او بوده است از طبقه حساسی میپوشاند ، می توانست از ظاهر کردن آنها يك فیلم بسیار بزرگ بدست بیاورد » .

بنا بر این در قلمرو افکار میتوان اولین فکر تاریکخانه را به افلاطون منسوب کرد ، و نیز میتوان دورتر رفته مبدء فکر ایجاد تاریکخانه را از روی ساختمان چشم انسان دانست .  
اما علمی رعم این مطالب ما با سلسله افکاری که اختراع سینما

(۱) افلاطون در قسمت هفتم از کتاب جمهوری (Republique) برای مقایسه حقیقت با تصویری از آن که در ذهن انسان وجود دارد غاری را تصور میکند که از هر طرف مسدود است و فقط از سورخ بسیار کوچکی روشنائی در آن میتابد و در آن غار مردانی را تصور مینماید که از کودکی آنها را اسیر کرده و در آن غار با زنجیر بسته باشند بطوریکه فقط قادر باشند جلو خود را ببینند حال اگر در جای بلند و دوری آتشی روشن کرده باشند و مردان دیگری در مقابل آن آتش بیازی مشغول شوند تصویری از آنان روی دیوار غار میافتد و اسیران که قادر بدیدن پشت سر خود نیستند آن تصاویر را اشخاص حقیقی میانکارند و بر حقیقت موضوع واقف نمیشوند .

۵

۷

### اختراع سینما

وسپس مدتی درباره این اکتشاف سکوت برقرار بود تا اختراع واقعی عکاسی از طرف **ژوزف نیسپور نیپس** به عمل آمد وی در سال ۱۸۲۲ موفق گردید تصاویر بادوامی تهیه نماید ، و ورقه حساسی که بکار میرسد عبارت بود از يك نوع آسفالتی که عموماً آن را **زوت** مینامیدند و استعمال آن در چاپ سنگی بسیار شایع بود . مدت مکت مدتی که شبی عمقابل دهانه دور بین قرار میگرفت از ۶ تا هشت ساعت برای نقاط آفتابی بود .

در ۱۸۳۹ **داسگر** این مدت را به ۳ تا دقیقه تنزل داد .

در ۱۸۴۱ عدسی های شیشی دو شیشه ای از طرف **شوالیه** و چهار شیشه ای از طرف **ووالس لاندر** اختراع شد که بوسیله آنها ممکن بود . بدون قرار دادن اشیاء در آفتاب از آن ها عکس برداری کرد و مدت مکت فقط ۵ ثانیه بود ، و در همین سال **فوکس تالبوت** عکس منفی را معمول داشت در ۱۸۴۷ مدت مکت به ثانیه رسید ، و در ۱۸۷۱ **مادوکس** استعمال ژلاتینو

برومور را معمول کرد و مدت مکت را به  $\frac{1}{100}$  ثانیه تقلیل داد .

در سال ۱۸۸۴ **ژورژ لایستمان** برای عکس برداری بوسته شفاف بکار برد ( استریونیک فیلم ) و از ۱۸۸۷ بیه این بوسته را از سلولوئید ساختند .

تا این تاریخ سه عامل مربوط سینما توکرافی بدست آمده بود :

دستگاه عکاسی - فیلمی که آن عکس را ضبط کند - فکر نشان

دادن مناظر با چراغ سحر آمیز

از قرن هفدهم بیه چراغ سحر آمیز همه جا معروف و ارزش آن برآب بیش از بک بازیچه بود ، زیرا جادوگران ددوخی از ۱۹ برای تأثیر در جمعیت ، ددوره گردان برای مشغول کردن و متعجب

### تاریخ سینما

۶

را منسوب بدوهزار و پانصد سال قبل از این میدانند مخالفیم . بدون شك نقطه عزیمت در اختراع سینما تاریکخانه است .

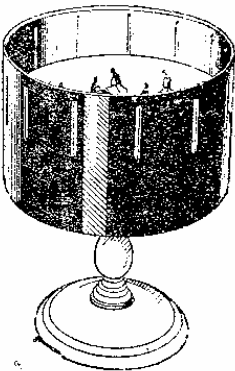
**لئوناردو دای ونچی** هنرمند بزرگ ایتالیایی راجع به تاریکخانه مثل يك تجربه بسیار عادی مطالبی می نویسد و حال آنکه اصول آن بعدها بوسیله **لاپورتا** مجسمه ساز ایتالیایی انتشار یافته است مورد استعمال تاریکخانه در چراغ سحر آمیز مربوط به قرن هفدهم می باشد . در سال ۱۶۶۰ برای اولین بار ریاضی دان دانمارکی **وانگشتین** در شهرم يك نور افکن تصویر انداز را که در آن نور مصنوعی جانشین نور خورشید شده بود به مرض نمایش گذشت این تاریخ را باید بخصوص در خاطر داشت زیرا با احتمال قوی مخترعین عکاسی روش معکوس ساختمان آن را که عبارت از عبور نور از نقاشی روی شیشه به مدسی شبی عدسی بروی پرده بود اختیار نمودند .

در این دستگاه نقاشی های مخصوصی نیز طرح ریزی شده بود که بوسیله آنها می توانستند حرکات ساده ای را روی پرده نمایش دهند ( متن حرکت بال آسیاب ، حرکات بدنی ، تبدیل ناکه های تصویری از يك منظره بتصویر دیگری از همان منظره ) در سال ۱۷۵۷ يك عامل جدید و قاطعی برای پیشرفت عکاسی فراهم گردید و آن اینکه **بکاری** تأثیر نور را روی يك طبقه حساس ( کلرور قره ) کشف نمود . در سال ۱۷۹۹ **شوسیه** تأثیر هیوسولفیت دو سود را روی املاح قره کشف کرد . در سال ۱۸۰۲ **وونگورن** در یادداشتی که به **سسه پادشاهی لندن** تقدیم کرد برای اولین بار عکاسی را بمنزله وسیله ای برای برداشت تصاویر معرفی نمود .

(۱) **Lanterne magique** که ما آنرا چراغ سحر آمیز ترجمه کرده ایم عبارت بود از دستگاهی که بوسیله آن تصویر بزرگ شده اشیایی را که روی شیشه نقاشی کرده بودند روی پردای نمایش میدادند .

دستگاهی بنام فناگيستيکوپ برای ترکیب حرکات بسازد، و در ۱۷۳۴ هوریزر فناگيستيکوپ را بصورت استوانه ای در آورد که زوی مجور قائمی قرار گرفته بود و چنین دستگاهی را عرفاً زوژرفوپ مینامیدند. شکلهای که حالات مختلف حرکت را نمایش میدادند روی يك نوار کاغذی رسم شده بودند که در داخل دستگاه فرار داشت.

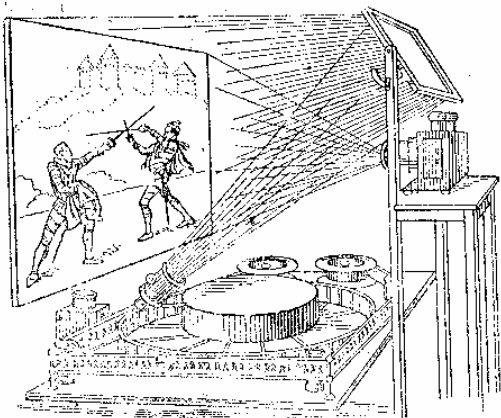
در ۱۸۵۲ ژول دوپوسک بجای اشکال رسم شده مزبور عکسهائی که بادوربین عکاسی برداشته شده بود قرار داد و در ۱۸۵۳ فرازفین اوشایتوس کوشش کرد که بتواند تصاویر متحرکی را نمایش دهد اما این موفقیت را



هیل در ۱۸۷۰ بدست آورد در ۱۸۸۲ ماری که تجارب معروف استانفورد و موی پریچ را راجع بناخت اسپهای اصیل باشان القاء کرده بود دستگاهی برای تجزیه حرکات اختراع کرد که موسوم بفتک عکاسی بود و در حقیقت جدید دستگاه عکاسی سینما میباشد و بوسیله آن ممکن بود ۱۲ عکس متوالی در هر ثانیه روی يك صفحه مدور برداشت مادی و همکار او دهنی ثابت

کردند که برای تجزیه حرکات فناگيستيکوپ پلاتو و تا ۱۰ عکس در ثانیه لازم است هوریزر (۱۸۳۴-۱۸۳۲) لیکن برای ترکیب حرکات ۱۰ عکس در هر ثانیه کافی است اما این دو دانشمند در این موقع بپیچوجه آزمایش راجع باین ترکیب

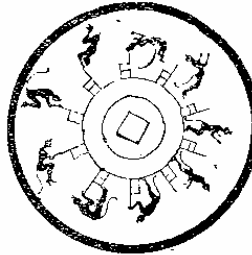
وسيله مقدمه ای برای پیدا شدن تئاتر اوبتيك از ۱۸۸۸ به بعد بود و در تصدیقی که سال ۱۸۸۰ اذدواک دریافت داشت وی پیش بینی کرده بود که روزی بجای تصاویر رسم شده عکسهای برداشته شده قرار گیرد، اما این پیش بینی تعقیب نشد.



تئاتر اوبتيك بوسیله دستگاه براگزينوسکوپ

زیرا رینو بصنعت نقاشی علاقه بسیار داشت وی نوارهایی شامل ۵۰۰ تصویر (مقلد بدبخت، در اطراف يك اطاق، بند بساز و سگان او) و حتی ۷۰۰ تصویر (يك لیوان خوب آجو) تهیه کرد. این نوارها که بكمك سوراخهایشان حرکت میکردند در حضور بانصند تماشاچی نمایش داده شدند و دستهٔ ووزبك فاستون پو لن نیز با آن ها همراهی میکرد. ادریسون نیز بوسیله اختراع عکسهای متحرک بسینما توجه کرد، اما نتوانست نتایجی را که بدست آورده بود جز يك تماشاچی نشان بدهد، زیرا رینو خیلی از او بیشتر رفته بود، اما توجه فوق العاده او بیک زیباپسندهی بی موضوعی

ساختن مردم استفاده میکردند. در الجزیره از ۱۷۷۰ به بعد يك تئاتر بوسیله سایه مشغول فعالیت بود.



در ۱۷۹۷ روبرتسون اهالی پاریس را بوسیله مجالس نمایش تصاویر که آنها را فناگيستيکوپ مینامید خوشحال می کرد، يك قرن پس از این تاریخ اولین نمایش اشکال متحرک که بوسیله امیل کوهل ساخته شد بهین نام موسوم گردید.

حال فقط يك چیز کم است و آن حرکت میباشد.

موضوع ثبات تصویر روی آزمایشهائی راجع بتحرک حرکت (قرن نوزدهم) عصب چشم از زمان بطليموس شناخته شده بود.

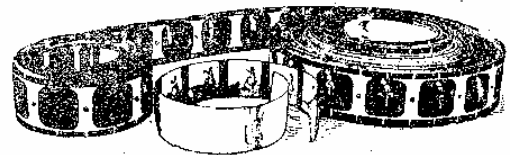
در قرن یازدهم فرهادی را توصیف میکنند که آنرا برتکهای مختلف درمیآوردند و بوسیله آن تجاربی راجع بدست ثبات تصاویر در چشم انجام میدادند. در قرن هیجدهم این مدت محاسبه شده و اندازه آن را مابین  $\frac{1}{10}$  و  $\frac{1}{4}$  ثانیه تشخیص دادند.

در ۱۸۳۲ يك نفر فیزیک دان بلژیکی بنام ژوزف پلاتو پس از سلسله تجاربی که از ۱۸۲۸ شروع کرده بود موفق گردید

۱- حسن این هشتم معروف بانجسن اذرباضی دانان و متجربین بزرگ اسلامی است.

۲- این مدت دارای هیچگونه مقومومی نیست زیرا ثبات تصویر تابعی از درخشندگی منبع نور مز بود میباشد اگر درخشندگی و روشنائی کم باشد مدت ثبات کوتاه است و بهر نسبت بر اندازه روشنائی افزوده شود بر مدت ثبات تصویر نیز افزوده میگردد (یادداشت مؤلف).

را که بوجود آورندهٔ سینما توگرافی میباشد بعمل نیآوردند. دهنی در ۱۸۹۱ اسپهای ساخت که بوسیله آن موفق گردید حرکات يك نفر ناطق را که وسیلهٔ دستگاه کروئوفو توگراف ماری ۱۸ تصویر از آن برداشته شده بود دو باره وجود آورد، و این اسپباب را فوئوسکوپ نامید و چون برای این نوع ترکیب حرکت آتیه ای پیش بینی میکرد در ۱۸۹۲ اختراع را بنام خود ثبت کرد.



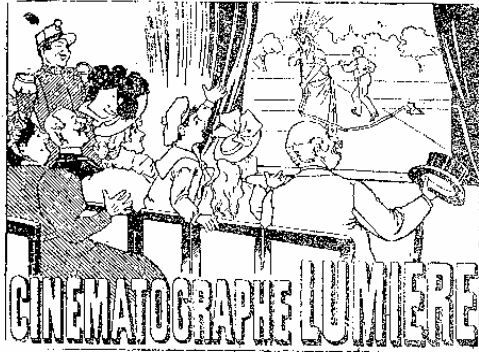
فیلم سوراخ دار امیل رینو ۱۸۸۸

صفحه ای که تصاویر دهنی روی آن قرار میگرفت از همان نوع صفحات پلاتو بود اما از نظر صنعت سینما این راه پیشرفت مسدود بود زیرا تعداد تصاویر در این طریق همواره محدود بوده است. لیکن این صفحه که بوسیله دانشمندان و رای تجارب آنها بوجود آمد هنوز نیز برای تجزیه حرکات تابلک ملیونیم ثانیه مورد استعمال دارد.

باتجربه ژورژ دهنی اعمال قدماتی برای اختراع سینما توگرافی خاتمه یافت. یکنفر بخصوص در این راه کوشش بسیاری کرد و او امیل رینو است (۱۸۴۴-۱۹۱۸) که از سال ۱۸۷۷ ژوژرفوپ را اصلاح کرد و آن را پراگزينوسکوپ نامید در این دستگاه تصویر مستقیماً روی پرده وارد نمیشد و وی در ۱۸۸۰ از این دستگاه برای نورافکنی در تئاتر استفاده کرد و همین



همیشه در زمانهای تاریخی مشاجرات قلمی زنده پیش میاید . واضح است که تمام افکاری که منجر با اختراع سینما گردید مشهور بود و بعضی از آنها بتفصیل ثبت رسیده بودند . لومیر نه تجزیه حرکت و نه ترکیب آنرا بوجود آورد ، نه فیلم سوراخ دار تهیه

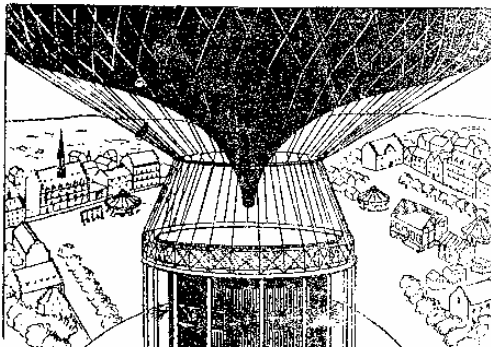


۱۸۹۵ : اولین اعلان سینما

کرد . تمام دندانه‌هایی را که او بر این چرخ قرار داد ممکن بود بدون اشکال تبدیل کرد و حتی نام سینما توگراف نیز تعلق با و نهاد (۱) تمام اینها صحیح است اما اختراعات راههای عجیبی را میبایست وابتکارات لافونتن (۲) باوجود بیشقدمانی مانند بوکاس (۳)

- (۱) نام سینما توگرافی از Leonbelly است که در ۱۸۹۳ تقاضای ثبت اختراعی باین نام را کرد (یادداشت مؤلف)
- (۲) La fontaine افسانه‌سرای فرانسوی (۱۶۶۵-۱۶۷۱)
- (۳) Boccace شاعر و افسانه‌سرای ایتالیایی مولف کتاب دکامرون (۱۳۷۵-۱۳۱۳)

بوجود آورد . این دستگاه خیلی قویتر از سینمای منظری و از سینمای سه بردهای آبل گمانس بود . گریمو آن سانسون روی یک نام مسطحی ده دستگاه عکس برداری را که عدسی آنها کاملاً همزمان بودند ستاره وار قرار داد و آنها را متوجه افق ساخته بود . یک دستگاه نمایش شامل ده عدسی که بهمان ترتیب قرار گرفته بود تصاویر مزبور را روی پرده مدور منمکس کرده و فکر مخترع ژوژو پ را با مقیاس بزرگتر عملی میساخت . سیصد یا چهارصد تماشاچی در داخل این سالون جاداشند و اطراف آنرا پرده های سیاه گرفته از بالا ده نور افکن مورد استفاده قرار میگرفت . و کسانی که تماشا مشغول بودند کاملاً خود را در داخل آن منظره تصور مینمودند . پس از آن گریمو آن سانسون در صدد برآمد که در تماشاچیان تصور صعود با بالون را ایجاد کند و سپس منظری را که



دستگاه سینه نورامای گریمو آن سانسون و ور افکن های آن

وی را از وجود آوردن آنچه که بعدها مورد توجه قرار گرفت یعنی سینما توگرافی بازداشت و ما بعدها هنگام گفتگو از فیلم های هنری باز باور میخوریم .

افتخار اختراع سینما توگرافی نصیب لوئی لومیر گردید که در ۱۳ فوریه ۱۸۹۵ دستگاهی را که بکار برداشتن و بدین آزمایش های گریمو و نو فو توگرافیک میاید ثبت رسانید . اولین جلسه سینما توگرافی روز ۲۲ مارس ۱۸۹۵ در کوچه دن شماره ۴۴ در مجمع تشویق محصولات ملی برقرار بود . در این جلسه خروج کارگران را از کارخانه لومیر نمایش میدادند روز اول ژوئن ۱۸۹۵ لوئی لومیر در شهر لیون علاوه بر فیلم سابق فیلم های زیر را نمایش داد .  
میدان بورس شهر لیون .  
یک درس سوار خوبی .  
آهنگران .  
طفلی که ماهی صید میکند .  
یک حریق .  
میرآب آب باشی شده .  
چاشت طفل .

روز ۱۶ نوامبر از این نمایشها در سوربون استقبال شایانی بعمل آمد . روز ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ دو خیابان کابوسین ها در سالن هنری زیر زمین گرانگ کافه مردم تماشای سینما آمده بودند . مردم ، مردم واقعی ، مردم کنجکار ، مردمی که پول می برداختند .  
سینما شروع شده بود (۱)

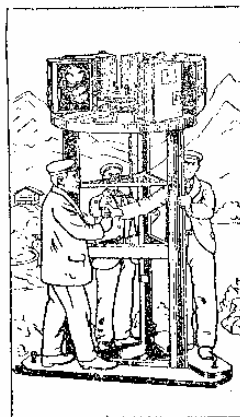
\*\*\*

بدعت اختراع لومیر بارها مورد تردید قرار گرفت ،

(۱) رجوع شود بکتاب لوئی لومیر ، مخترع تالیف بیسی Bessy و لودوگا چاپ پریما پاریس ۱۹۴۷ ( یادداشت مؤلف )

یاقدور (۱) و یاد در مقام مقایسه با ازوپ (۲) شاهکارهای بزرگی محسوب میشوند .

قبل از لومیر دوباره اختراع که ثبت رسیده بود قابل ذکر میباشد اما بعد از او تعداد درخواست ثبت اختراعات بعدها و هزارها رسید و عده ادعاها و بازخواستها بیشتر بود ، و تمام مردم حقایق را با وضوح دیدند و قضاوت کردند . با اینحال پنجسال بعد از لومیر وقتیکه هنر اصلی که باو منسوب میکنند بناحق فقط



استعمال فیلمهای سوراخ دار بوده قراعت این موضوع جالب توجه می کند : « آقای ماری اصلاح فوق العاده ای در ساختمان سینما توگراف کرده اند و آن عبارت از بکار بردن فیلمهای سوراخ نشده میباشد » و حال آنکه ماری همواره بکار بردن فیلمهای سوراخ دار مخالف بوده است .

بعد از لومیر شایسته است نام یک مخترع دیگر را که اکتشافات بجا و بوقوع اوقابل ملاحظه میباشد ذکر نمایم و او را تول گریمو آن سانس (۱۸۶۰-۱۹۴۱) میباشد . وی اول بار بکار اختراع سینه اوراما افتاد که بوسیله آن ممکن بود منظری را روی پرده ای متصل و دایره ای شکل که تمام تماشاچیان را احاطه میکرد

- (۱) Phedre افسانه سرای لاتین (۳۰ سال قبل از میلاد مسیح تا سال ۴ میلادی)
- (۲) Esope افسانه سرای گوژ پشت یونانی (شش تا هفت قرن قبل از میلاد مسیح).

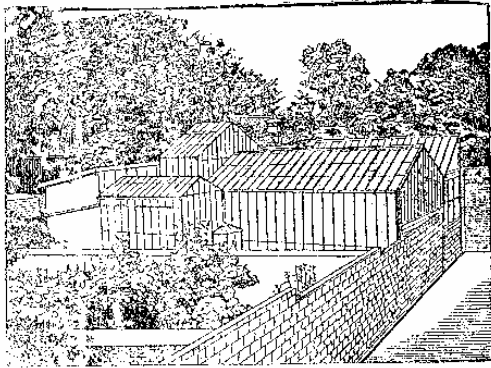


در آفریقا و اروپا تهیه کرده بود به‌مرض نمایش گذشت مناظری که در آنها صعود و نزول را بایکدیگر اتصال داده و از فواصل نیمابین صرفنظر شده بود .

## فصل دوم

### سینما وسیله نمایش و تماشا

بوسیله لومیر سینماوگرافی بوجود آمد ، و بوسیله ملیس نمایش سینماوگرافی که عرفاً آن را سینما مینامند پیداشد .  
لومیر مانند تمام اسلاف خود به‌بیراز اهمیت رفیق برآید این وسیله‌ای که تصادف و جستجوهای بسیار دردسترس آنها قرار داده



۱۸۹۶ - اولین کارگاه فیلم برداری دنیا استاد فیلم ج.س. سینما-۲  
۱۷

ثروت بدی در جوانی با رفاه و آسایش توأم بود ؛ وی پشاکرد دبیرستان همیشگی بود که در آن زمان به‌مدرسه والا حضرت پادشاهی معروف بود ، و ختم تحصیلاتش بزود دبیرستان لوئی لوگران



درپاریس بعمل آمد. خود ملیس میگوید مرا همواره برین نقاشی و نمایش و کارهای ماشینی بکار وامیداشت. اولین هوسی که در او پیداشد در نتیجه مشاهده خیمه شب بازی خود کار و پر هودن

بود ، مشاهده اشخاص مقلد و مسخره ، کلاه شیطانی خفاش و غیره در آنجا او را از خود بیخود میکرد .

بدها تأثیر روش و اسلوب روی پر هودن در بعضی فیلم برداری سینما از فیلم های او آشکاراست . وی بعنوان شعبده باز وارد در تئاتر شد

و مدتی در اطراف او هام موزه سگرفون نمایش میداد . در سال ۱۸۸۸ وی مالک تئاتر روی هودن شد و در آنجا بود که روحیه مایل با بنگار

و غیر عادی خود را که گوئی برای سینما برگزیده شده بود نشان داد ژورژ ملیس اولین کسی بود که اهمیت فیلم را از لحاظ نمایش و

تماشا بصورت آورد و آن را به‌مدت تحمیل نمود و ذوق ابتکار را در ایشان بوجود آورد . هنگامی که او فیلم سینما ذوق و علاقه

نشان داد تازه فیلم میر آب آب پاشی شده انتشار یافته بود، مردم آن را یکی از کنجکاوهای علمی می دانستند و این چیزهای تماشایی

علمی در آن موقع درست تحلیل نشده بود و همیشه با کلمات لاتین آمیخته بود . ملیس با سینما صورت جدیدی از نمایش بوجود آورد .

که از لحاظ فن و نوع تأثیر کاملاً با تئاتر متفاوت بود ، وی اولین کسی بود که حبله ها و تدا بیر سینمایی را بوجود آورد و اتفاق نیز

در این امر با او کمک کرد ؛ یک روز در هنگام عکس برداری از میدان او پرا دستگاه فیلم برداری از حرکت باز ماند ملیس آن را تعمیر کرد و فیلم برداری ادامه یافت اما در موقع نمایش بواسطه وقفه ای که حاصل

شده بود مردها غفلتاً تبدیل زن شدند و او کون شهری تبدیل

بود اهمیتی قائل نبود ، اما ملیس بایک نظر فیهید که امکانات این اختراع تاچه اندازه است ، و درصدد برآمد که آن را بقیتی که در آن روز واقماً افسانه تلقی میشد بگرد اما آنتوان لومیر از تسلیم امتیاز باو خودداری کرده صراحه بوی چنین گفت : « جوان عزیز از من تشکر کنید، گرچه این اختراع اصولاً برای فروش نیست



اما بخصوص برای شما موجب ورشکستگی خواهد شد ؛ ممکن است که مدتی از آن بمنزله یک کنجکاو علمی بهره برداری کرد اما خارج از آن دارای هیچگونه آینده تجارتمندی نیست»

اما ملیس از این آهنگ بی چون و چاری بدر لومیر دلبرد شد و یک تجارتخانه تهیه محصولات بینمائی بنام استاد فیلم تاسیس کرد که اولین بنگاه از این نوع در دنیا است، و بعدها بنام «کارخانه تهیه فیلم برای سینماوگراف»

ژرژ ملیس ۱۸۶۱ - ۱۹۳۸

موسوم گردید ، و اوراق این کارخانه دارای شمار زیر بود : «دنیادر دسترس» و نیز وی اولین کارگاه فیلم برداری دنیا را درمون ترقوی سو بو آ در اکتبر ۱۸۹۶ یعنی ده ماه بعد از اختراع سینماوگراف لومیر تاسیس کرد این کارگاه شامل تمام مشخصات کارگاههای جدید بود یعنی سن ها ، داربست های بزرگ فلزی شیشه های بزرگ و نورافکن های قوی « که برخلاف امروز که آنها را بلغت انگلیسی سن لایت مینامند همان کلمه فرانسه را بکار میبردند» و یک اطان دوار برای فیلم برداری در آن موجود بود .

ژرژ ملیس در پاریس متولد شد و زندگانی او بواسطه



تاریخ سینما

بیک کاسکته نعل کش کردید . این اتفاق نتایج متعدد و فوق العاده از نظر



طرحی از صحنه برداری فیلم مسافرت گویور ( ازملیس )  
سینما بدست داد و در تماشای آن زمان هیجان فوق العاده تولید کرد  
غالب شیوه های جالب سینمایی از تمایز ملیس است از قبیل طرق  
مختلف عکاسی ، چاپ چند عکس روی یک فیلم و بخصوص روی متن  
سیاه ، بکار بردن یک نفر بازیگر در دورل مختلف و بخصوص وی  
در باره هم زمان کردن فوتوگراف و سینما کوشش کرد و در سال  
۱۹۰۰ درصد برآمد که این طریقه را برای استفاده از فیلم صدای  
پولوس بکار برد ، اما آبرو من هم این طریقه را بنام **گرافوفونوسکوپ**  
۱۸۹۶ در ثبت رسانیده بود .

در کارگاه ملیس کسانی که بعدها شخصیت های بزرگ سینمایی  
شدند بار آمدند ، همان کسانی که بعدها کارخانه های **ویتاگرافی**  
**ویاانه و ایزیسون** را تشکیل دادند .  
در ۱۹۰۵ ملیس بوسیله برادرش در نیویورک معرفی گردید  
بامید آنکه در آنجا از منافع اختراعات خود دفاع نماید ، از سبب  
صنایع فیلم برداری اتسازونی در واقع از افکار مخترع فرانسوی

سینما وسیله نمایش و تماشا

بهره برداری کردند اما شروع مخالفت و جنک با او نمودند ، و ادیسون  
در رأس همه بر علیه یک نفر اروپائی ساده که مدعی حقوقی بود و  
میخواست با انحصاری که ادیسون برای بهره برداری از بازار  
امریکائی بدست آورده بود مخالفت کند بنام **اچ** برخاست ملیس تمام  
ثروت خود را در راه سینما توگرافی صرف کرد بدون آنکه قوت  
و قدرت خود را از دست بدهد زیرا تا دوز آخر زندگانش دارای  
چاپکی بسیار و فکری آتشین بود . در سال ۱۹۰۲ زمانیکه انتظار  
داشت که بوسیله فیلم مسافرت بماء اوضاع خود را سر و صورتی  
بدهد و فیلم های تازه ای تهیه کند ، این فیلم که شهرت بسیار در فرانسه  
و در خارج یافته بود بوسیله ادیسون تقلید شد و حتی این تقلید به  
علامت کارخانه نیز رسید و وی بدین وسیله ضرر فاحش بدستگاه ملیس  
وارد کرد اما یک روز ملیس با خنده من گفت : « من با وجود  
همه اینها از این قلب سازان یعنی **ادیسون و لوپون و کارل لامل**  
منویم زیرا اینها مستقیماً تبلیغ بسیار برای من میکنند » .

از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۱۴ در ایامی که بزحمت طول فیلمها به  
۲۰ تا ۳۰ متر می رسید ، ملیس ۴۰۰۰ فیلم تهیه کرد که بسیاری از آنها  
۴۰۰ متر طول داشتند . مسافرت بماء معروفترین فیلم های اوست که  
۲۶۰ متر طول داشت و نمایش آن ۱۶ دقیقه طول میکشد . این فیلم  
دنیا را کاملاً متعجب کرد . سرفظن از توپ آسمان پیمای موضوع فیلم  
هیچ رابطه ای با کتاب **ژول ورن** ندارد و تمام مفهوم کلمه یک اثر  
تفنی و ذوقی است که جنبه تفریحی آن بیشتر است . در سال ۱۸۹۷  
وی اولین فیلم مربوط بزبان دارک را تهیه کرد ( ۲۷۵ متر ) . علاوه  
بر فیلم های معروف مسافرت بماء و چهار صد شوخی شیطان ( ۴۴ متر )  
وی فیلم های ، ماجراهای بارون منچوزن و اطلاق مقیس نوفل و عده  
دیگر قطعات مسخره آمیز تهیه نمود . یکی از فیلم های جالب ملیس  
یک اثر تفنی راجع بوضع در ریوس می باشد . که در ۱۰ اوله فیلم هر  
یک بطول ۲۰ متر تهیه گردید . بعضی از فیلم های ملیس بعد از مرگ  
ساحبان باقی مانده اند ، مؤلفه های جدید ( قدمت سینما توگرافی )

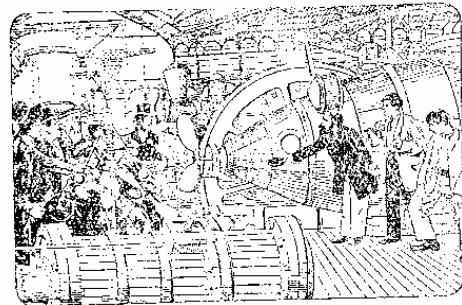
سینما وسیله نمایش و تماشا

تصویرات تفنی  
نبتون و آلفی ریت  
خواب نول ( ۱۶۰ متر )  
مردی که سرش کاجو بود  
انسان مگس  
رو بسون پاره پوش  
۲۰ هزار فرسخ زیر دریا ( ۲۶۵ متر ) قصر هزار و یکشب  
اگر من پادشاه بودم یهودی سرگردان و بسیاری فیلم های دیگر .

در ۱۹۴۰ مؤلفه های جدید در نیویورک نمایشگاهی بنام  
**نیویورک ارکستر یقیت** بدرسینمای آمریکا ترتیب داد اگر ملیس  
از سینما وسیله تماشا و نمایش بوجود آورد و به عالم سینما صورت  
شهر بریان را داد که بقیه تمام قوانینی را که امروز زبان سینما توگرافی  
خوانده می شود وضع نمود و بخصوص در دو فیلم معروف خود بنام  
**پیدایش یک ملت** و **نابردباری** در ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ تمام  
قوانین و قواعد سینما را در مورد لازم بطریق منطقی بکار برد  
. علاوه از آن بس دستگاه فیلم برداری از صورت ثبت کننده ای  
تفاوت مناظر و با یک وسیله رقابت و تقلید تئاتر خارج شد . اگر  
چه وی نیز مانند **ملیس** در فن تئاتر صاحب ذوق و اطلاع بود  
اما وارد فن سینما شد و روش او را ادامه داد و بیش از او پیشرفت  
کرد و این مقارن وقتی بود که اشخاص فرهنگ دوست ! میخواهند  
از سینما یک هنر ممتاز و مجلل و در عین حال دو پهلو و دروش  
بوجود آورند **پاتکه** فیلم های هنری تهیه می کرد **سازار ناراب** -  
استعداد طلبیده بودند و از **دانوژیو** با اصرار و سماجت خواسته  
بودند که برای سینما متون دقیق و ظریف تهیه نماید و **لاور** آن  
طرحهای درخشان تحویل میداد و خلاصه ادبا و روشنفکران این هنر  
را از آن خود میدانستند .

تاریخ سینما

در نیویورک ۹۴ فیلم از ملیس را داراست که در ۱۹۳۵ در هولو بود  
پیدا شده و ۱۲ فیلم اصلی او نیز در لوس آنجلس موجود است و پنج  
عدد آنها در مؤلفه بین المللی سینما در شهر روم وجود دارد .  
در سال ۱۹۲۸ **ژرژ ملیس** را در ایستگاه راه آهن  
مونپارناس یافتند در حالیکه بفروش شیرینی و شکلات و اسباب بازی  
اشتغال داشت ، دوستانش حواص مادی او و زنش و نوه کوچکش را  
تا آخرین مرحله زندگانش در مریضخانه لئوبولد بلان تهیه نمودند  
و در آنجا وی بسال ۱۹۳۸ در سن هفتاد و هفت رخت از جهان  
پرست .



بیست هزار فرسخ دزدیر دریاها ( ۱۹۰۴ ) ازملیس  
صورت زیر نام عده ای از فیلم های اصلی ژورژ ملیس را شامل  
است که بوسیله خود او تهیه شده :  
فقیر یا اسراوهندی  
حوزه شیطان  
جراح خانم قرن  
فوست و مارگریت  
قصر بردقت و آمد  
میکنده مسعود کننده  
خواب کننده  
خواب نجوم

خود را پس از تهیه متجاوز از یکصد فیلم نشان داد و آن در ضمن تهیه فیلم پیدایش یک ملت از روی کتاب توماس دیکسون بر بنام هرش قبیله بود اگر قبلیت در این فیلم بیاد قبیله خود افتاد و قبل از بر بار دقتی خاطره جنگهای تجزیه را تجدید میکند . در این فیلم می بینیم که چگونه سیاهان از این دموکراسی وصف ناپذیر بر سر مست و تبدیل باشخص و حشی وسیع میگردند و **کو کلو کلان** عدالت خواه چگونه فاتح و مظفر میشود هیچیک از صفحات کتاب نویسنده نتوانسته است سن هائی را که در آن گرفتار شده زیادی سوار را با بیاد قبیله نشان میدهد. مجسم نماینده موضوع این فیلم و چگونگی تهیه آن خاطرهای در ناک جنگهای داخلی را در مردم تجدید کرد و محرک شورشائی گردید چنانکه گویی شهر آتلانتا یکبار دیگر منهدم گردیده است و در واقع اهالی جنوب آمریکا بوسیله سرژنرال ژاکوب گرفتار است انتقام خود را از شمالی ها گرفتند .

هین ملاحظاتی سیاسی موجب گردید که گرفتاری به عنوان صحنه پرداز حتی بر دم تمیل کرد اما در واقع از سال ۱۹۰۸ او با جدیت مشغول کار بود و اکتشاف سینمائی که از سال ۱۹۰۰ معمول شده بود قبول یا رد می کرد . روش فنی او کاملاً معین بود و وی بیابانگران اصلی و فرعی خود هر روع قیافه سازی را غدغن کرده بود . در ۱۹۱۵ مطالعه کابیریا وی را تحت تأثیر ادبیات ایتالیائی قرارداد و وی آن را با دقت تام تحلیل کرده و پیش از اندازه متحیر شد و فیلمی تهیه کرد که نام آن کشمکش عشق در اعصار مختلف بود و در ۱۹۱۶ نام **نابرد باری** بر آن نهاد سینما در ادوار عظمت خود گاهی با پیشرفت های حادی مواجه شده است که در آنها صحنه پرداز قادر بتوقف نیست اما کمتر اتفاق افتاده است که در این حملات شاهکاری بوجود آید اما فیلم **نابرد باری** یکی از شاهکارهای واقعی و از قبیل فیلم رعد بر فراز

اگر **گرفیت** فایده فرهنگ عمومی بود که در نتیجه آن غالباً طبقات متوسط اروپائی غیر قابل تحمل می کردند در عرض خلقی بنام منی لچوج و سرسخت داشت ، چون اصل وی ابراندی بود غریزه تحلیل اخلاقی و عبارت بردازی بیپرده را کاملاً دارا بود . اما طبایع مردمان **کتوکوی** و **جورجی** را بیشتر از اخلاق اهالی

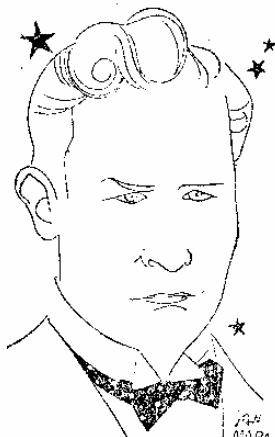


د - و - گرفتاری

ایر لند دارا بود پدرش در جنگهای تجزیه آمریکا شرکت کرده بود و مادرش از اهالی جورجی بود و در فکریس خساطرات تلخی از خونهای ریخته شده و از اوضاعی که هر کس در ایام جنگ تحمل میکند باقی و بنا بر این روحاً سنگین و باوقار بود . در نمایشگاهی که آمریکا برای او ترتیب داد میتوان کارهای او را مرحله

بمرحله ملاحظه کرد ، سنگینی و خونسردی علانیه در شمری که وی در ایام جوانی بنام **غاز وحشی** در نیویورک منتشر کرده بود مشاهده می شود « وی از این شهر ۳۵ دلار جایزه گرفت و خوشبخت کشوری که در آن یک شاعر تازه کار میگردد » اما منازعه منهدم کننده او با سانسور وی را از شمر و تئاتر بری کرد و در حدود سال ۱۹۰۸ کارخانه بیوگراف باو اجازه شروع بقنایلت سینمائی داد « ماجراهای دولر وادکار- آلن بو ) اما فقط در سال ۱۹۱۵ بود که وی ارزش واقعی

در تاریخ سینمای آمریکا قبل از گرفتاری فقط فیلم **اعداد ماری** ملکه اسکات از ویلیام هیس تهیه میشود که در سال ۱۹۰۲ از روی فیلمهای قدیمی ادیسون بوسیله **ادوین پور تر** تهیه شد و سپس فیلم سرعت قطار سریع السیر از ادیسون ( ۲۴۰ متر ۱۹۰۳ ) که باز هم بوسیله **پور تر** اداره شد اولین فیلم عمومی ممالک متحده محسوب میشود . **پور تر** اول کسی است که حیل های سینمائی را بوجود آورد از قبیل طفلی که بوسیله عقاب ربوده شده و از روی درهها پرواز میکند « نجات از آشیانه عقاب در ۱۹۰۷ » اما این فیلم بخصوص از لحاظ حضور گرفتاری در قسمتهای جالب آن ارزش دارد ؟



ت ۵۰ اتیس (۱۸۸۲-۲۹۲۴)

قبیل از گرفتاری سینمای آمریکا وسیله تفریح مبتدلی دور قابل ه سنت (۱) بود اما بعد از اوسینمای واقعی آمریکا بوجود آمد مخصوصاً بعد از آنکه **کابیریا** از ابطالی آمد بزرگترین شهرت سینمای آمریکائی فراهم شد و مانند تازیانه ای مؤثر افتاد .

بعد از گرفتاری نام **توماس هارپر اینس** را باید جزو قهرمانان سینمای آنطرف اقیانوس اطلس ذکر کرد در نظر ماری کسی است که ذوق فیلم-

**مکزیکو** محسوب میشود (۱۹۳۴) طول فیلم نابرد باری در موقع خروج از کارخانه معادل بیست ساعت نمایش بود چهار فصل داشت از این قرار با بل در زمان باننازار ، زندگانی و مرگ عیسی مسیح ، سن پارتلمی و خود ستائی ، نرت آور طبقات معاصر گرفتاری شخصاً این فیلم را بیسه ساعت تقلیل داد و پس از دخالت سانسور نابرد باری تبدیل بفیلمی شد که قابل کم و زیاد کردن نبود .

در سال ۱۹۱۹ گرفتاری با **چارلی چاپلین** و **دو کلاس فرینکس و ماری پیکتورد** کارخانه ( آر تیس ت های متحد ) را بوجود آورد وی تا سال ۱۹۲۸ مشغول تهیه فیلم بود اما فیلم اصلی او پس از نابرد باری فیلم **شکوفه های شکسته** در ۱۹۱۹ بود که **لیلیان گیش** را مورد توجه عموم قرار داد . وی در چائی گفته بود « من تا کنون ۲۵۰ فیلم تهیه کرده ام و رویهم رفته و از همه حبت جز ساعت چیزی ندارم » ؛ در سال ۱۹۳۰ گویی تازه شروع بکار کرده است و کتاب جامی راجع بسینما تألیف کرد . سینمای آمریکا بنیاد اولیه خود را مرهون گرفتاری است



یکی از اولین تدابیر سینمائی (نجات از آشیانه عقاب)



هاي نهرماني را ايجاد كرد، ذوق سوار كاري جديد و درعين حال بسبك قدیم که ضمن آن در موارد متعدد طيانچه تمام نشدنی و **ويليام هارت** را در هنگام تعقيب مخالفين نشان ميداد [ در اين موارد در سالونهاي عومي صدای فریاد و پای کوبیدن بخصوص در آخرين مراحل سواری انتقام گیرنده شنیده میشد و اینها گرمترین سالونهای سابق بوده است ] این اولین تشویق در سال ۱۹۱۴ موقعی که فیلم **فراری** انتشار یافت بعمل آمد. در این فیلم و فیلمهای بعد از آن از قبیل **کارهن کلوند یک** و **فتح طلا** در مقابل ما مناظر جنگلهای پردرخت و پر از کین گاه، دره‌های پر از اسبان وحشی، اماکن ساکت و بیصدا، جلگه‌های پراز کوسفندان و اسب سواریهای متوالی یا متناوب رژه میرفتند، مناظری که طی آنها طبیعت حالت سحرآمیز و مؤثری پیدا میکرد.

در سال ۱۹۱۶ اینس یکی از فیلمهای بزرگ خود را بنام **آریان** تهیه کرد که آنرا در فرانسه مثل سایر فیلمهای معروف خارجی با نام **مستمار** : برای **نجات نژاد خویش** نمایش دادند و طی آن و **ويليام هارت** با چشمهای درخشان دل راهزن افسانه‌ای را بازی میکرد.

توده بزرگ برداشته بود تهیه می کرد. مؤلف این کتاب روبرت - وین را در فرانسه مدت کمی قبل از مرگش ملاقات نمود وی در



فالكوتنی دو فیلم شکنجه ژاندارك

اینجا آخرین صحنه‌های فیلم **تمام حجت** را با **شترک فن اشتر** - و **هیم** تهیه مینمود و خود او در باره اطاق دکتر کالیکاری اظهار میداشت که صحنه بردازی وی هوازه تحت تأثیر فیلم مزبور واقع گردیده و هیچوقت نمیتوانست خود را از تأثیر محیط کابوس ماننددی که در آن فیلم تهیه کرده خارج نماید. دکتر کالیکاری بدون شك يك فیلم بزرگ و مورد توجه نبود اما وی نمونه‌ای برای مبتدیان گردید و شاید روزی راجع بتأثیر آن روی آنچه که بعد از آن تهیه شد مطامنه کافی بشود. این فیلم يك مثال و نمونه کامل بود از آنچه که میتوان با وحدت نظر با فرمول واحد و با مراعات يك بسبك مین ايجاد کرد و از قبیل همین فیلم و با رعایت همین نکات - یکی هم فیلم شکنجه ژاندارك میباشد که در ۱۹۲۸ بوسیله صحنه برداز

## فصل پنجم

### عصر طلائی سینمای بیصدا

بعد از آنکه اهل ادب از اعلام این موضوع که سینما وسیله نابود شدن تمدن است فارغ گشته (۱) جهان سینما ثبات یافت، بدین معنی که میزان واقعی مصرف و تهیه فیلم مبین گردید و بسیاری از تهیه کنندگان بزرگ همانطور که کلودو چندی قبل با خوش بینی تمام امیدوار بود تصدیق نمودند که «هنر هفتم» متولد گردیده است. سینمای بیصدا در آخرین سالهای قبل از مرگ و پیش از ظهور فیلم صدادار میخواست حق مطلب را چنانکه باید ادا نماید. هنوز دردنیای مرغان میوان از عتقا گفتگویی بمان آورد بعد از جنگ تا سال ۱۹۲۷ يك رشته فیلمهایی تهیه گردید که فی الواقع مایه تئیب بود.

قبلا از فیلم اطاق دکتر کالیکاری که بوسیله زوبر وین از روی طرح **والتر ریمان** و **هرمان وارم** تهیه شد گفتگویی کردیم این فیلم جزو يك سری مرکب از ۶ فیلم است که کارخانه اوفلا برای حفظ حیثیت خویش بعد از پنجاه فیلمی که قبلا تحت عنوان

۱ - مدت سه هزار سال است که انسان گاه و بیگاه از جامعه تمدن گفتگو مینماید گاهی بعزت اینکه قربانی برای خدایان کم داده شده است دفعه دیگر از آن جهت که انسان صورتهای شمارهایی رانحسین بسیار کرده و یا بقامات و قدرتهای خاصی احترام کافی ننموده و بالاخره دفعه دیگر برای آنکه زنها دامن خود و پاموهای خود را کوتاه نموده اند سینما نیز دارای پیشمرانی بود که آنرا بمنزله آخرین حدننگ و بدبختی انسانیت معرفی نمودند «یادداشت مؤلف».





بود در آن فیلم نیز برف و آتش و اسپهای عنان گسیخته ضمن داستان شکنجه‌های يك عشق شدید و غیر ممکن جلب توجه میشود .



کارل لوفر

در سال ۱۹۲۰ بود که ویکتور بوستروم شاعر... بار خود را بنام اربابه شیخ از روی رمان سلما لاکراف که تئوری در سینمای ممالک شمالی بینهایت زیاد بود تهیه کرد در این فیلم بخصوص برای اصلاح فنی که از سابق نیز شناخته شده بود یعنی طبع چند تصویر روی يك فیلم کوشش بسیار شد و بخصوص بوستروم توانست مورد استعمال منطقی و انسانی این فن را بیابد و آن تاثیرهای مختلف این فیلم پر روح و فکر انسان مبدانند . از این پس تأثیر این محیط مه آلود و این اربابه

دو سنی در بر آزاروح که راننده آن از هر مسافری عبور می نمود روی هر فیلم آمیخته با اوهام که در جهان سینما بوجود آمد واضح معلوم ود .

در آمریکا بوستروم که بنام بوستروم نامیده شده بود ابتدا فیلم گسیکه سلی میجور را از روی کتاب آندریف با اشتراک لوی جاننی تهیه نمود که در آن آثاری از نوع سینمایی او هویدا است اما قبلی که بخصوص شهرت تهیه کننده فیلم‌های اربابه شیخ و تهیه شده را عالمگیر ساخت عبارتست از فیلم باد « ۱۹۲۷ » ستاره این فیلم را نباید لیلیان گیش دانست زیرا بازیگر اصلی در این فیلم باد است ، باد مهیب بیابان آریزونا که از شن و بدبختی اشباع گردیده و روح انسان را فرسوده میسازد .

سینما - ۴

روی کتاب بلاسکواپانز و به وسیله رکس اینگرام تهیه میگردد ، ولی موفقیت فوق‌العاده این فیلم نه از لحاظ جنبه صنعتی آن بلکه از نظر ستاره آن یعنی رونف والانتینو بود . والانتینو محبوب ملیونها زن بود و هولبوود بدون فوت وقت و برحسب سلیقه زمان او را باشکال گاد باز ، راجه ، عرب ، و نیز در آورد از قبیل او یکی دیگر رامون نواری بود که فیلم اسکار موش در ۱۹۲۳ از او تهیه شد اگر چه این فیلمها نتوانستند سرسام زنهارا تحقیر دهند ولی ملیونها بول که قیمت نامیدی آنان بود بهشتوقهای هولبوود سرازیر گردید .

در ۱۹۲۱ از یک فن اشتر وهیم با آن خشنده مهیب که خاص مردمان شکاک و خشن است و با عادت تفکر دائمی امریکاییان منافات دارد ، اولین فیلم بزرگ خود را بنام دیوانگیهای زن «کارخانه اونیورسال» و با اشتراک مای بوش و مودجرج و سزار کر او نیا تهیه نمود . که به در این فیلم بکرتالیسم غیر قابل تصویری ملاحظه میشود که هوفمان ریایاد ادبا میآورد . هیچگاه نمیتوان صحنه زنده زبیرا که در فیلم مزبور وجود داشت فراموش کرد: زنی کیف خود را بر زمین میاندازد و افسری که خیلی نزدیک او ایستاده است بدون حرکت مانده و کیف را بر زمین دارد ، همه با تعجب باو نگاه میکنند این صحنه سه بار تکرار میشود و هر سه بار افسر مزبور اصلا اعتنائی نکرده کیف را بر زمین دارد ؛ فقط موقعی که پالتو افسر از روی شاهنش میلفزند و بر زمین میافتد ملاحظه می‌نماییم که افسر مزبور فاقد هر دو بازو میباشد .

اظهار عقیده شده است که اشتر وهیم بوسیله این فیلم خواسته است آفات جنک را نشان بدهد ؛ وی با آداب و مراسم در دنیایی که در حان فرو ریختن است موافقت ندارد - و او بر فلاهرتی با فیلمی که بنام نانوگ شمالی از حماسه های بر میان آلاسکا تهیه کرد و جنبه تبلیغی دارد ثابت نمود که موفقیت فیلمها فقط بستگی

دانمارکی کارل دویر برداشته شد و طرح آن را ژوزف دلثی تهیه نموده بود و همراهان وی نیز در آن فیلم نقشه دویر را که تا آنوقت از لحاظ زاویه عکس برداری و خصوصیات دیگر در سینما تاوکی داشت کاملاً اجرا نمودند .

رنه فالکوئتی يك زن دارك فوق‌العاده ، مافوق انسانی و فراموش ناشدنی بوجود آورد و دویر بنام معنی توفیق بسافت و شاید برای اولین بار در تاریخ صنعت سینما اینها مفهوم هنرمند را بعد اعلاى ممکن واضح ساختند ( دومین موفقیت از این قبیل نصیب لویژر نر (گردید) نتیجه ای که : از این فیلم بدست آمد عجیب بود و درباره آن چه خوب گفتند که این فیلم نیست زیرا در آن اشکال بیش از اندازه زنده و حاضر هستند . این تنها فیلمی بود که زیبایی آن کامل و بی نقص محفوظ ماند و در آن رعایت جزئیات لطمه ای جنبش وفاداریت اصلی فیلم وارد نکرد .

از آن پس زاویه فیلم برداری دویر مورد بهره برداری قرار گرفت و بخصوص روسها از آن تقلید بسیار کردند این فیلم اگر چه در فرانسه برداشته شد اما در واقع منسوب است بهیئت سه گانه تهیه کنندگان اسکاتلندی که از دویر و بوستروم دو ریتر استیلر تشکیل میگردد ، و شخص اخیر در سال ۱۹۲۴ فیلم افسانه گوستا بر لینک را از روی کتاب نویسنده شهر اسکاتلندیسای سلما لافر لوفی تهیه نمود . در این فیلم استیلر جزئیات روح اسکاتلندیسای را کشف مینماید و گذشته از آن تجسم کاملی از جنگها و قصور قدیمی و دنیایی که سایه ای از ابهام بر آن کشیده شده بعمل می آورد . يك بازیگر هنرمند در این فیلم پیدا میشود : گرتا کاربو اما نه گرتا کاربو و نه استیلر هیچکدام دیگر تنوع این فیلم قدیمی را در محصولات امریکائی نیافتند .

استیلر در ۱۹۱۹ از يك افسانه دیگر اسکاتلندی به نام گند آرن فیلم دیگری تهیه کرده بود که از هر حیث غنی و قوی

آلمان در این مدت اولویت خود را در تهیه فیلم‌های عمیق و واجد افکار تازه ثابت نمود . تهیه کنندگان در آنجا محیطی یافتند که در آن فعالیت کامل ممکن بود و تنها شرطی که باید رعایت کرد در این بود که انسان سست و بیحال و نادان و نالایق نباشد .

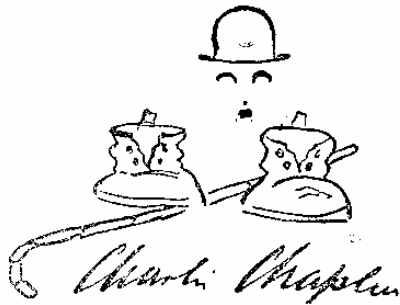
در سال ۱۹۲۲ فریتز لانگ در آلمان بعد از تهیه فیلم متوسط دکتر ما بوز داستان قهرمانی را که از افسانه نیلوئگن و از آهنگهای واگنر اقتباس شده بود تهیه نمود لوپویک (۱۹۳۱-۱۸۸۶) در همین سال شاهکار خود بنام شب سن سیلوستر را تهیه نمود و آن درامی است از عشق و حسادت مادرانه که بدقت و صحنی که کمتر میتوان نظیر آن را یافت تنظیم گردیده بود . نظیر این فیلم عبارت است از فیلم کوچ که در ۱۹۲۴ تهیه شد و در آن رالیسم خاصی که بکلی با مکتب اکسپرسیونیسم در بر دین تفاوت داشت بکار برده شده بود : فردریک و یلهلم مورنو (۱۹۳۱-۱۸۸۹) فیلم خفاش را در ۱۹۲۲ تهیه نمود که فیلمی از قبیل دکتر کالیگاری بود در ۱۹۲۴ شاهکار فیلم‌های بیصداى خود آخرین مردان را تهیه کرد .

پول کرزیر در ۱۹۲۴ فیلم تقصیر از کیست را که بازیگران آن الیزابت برگنر ، گفران وید و امیل یانینکس بودند تهیه نمود . مجموعه فیلم‌های کرزیر - برگرز که بوسیله اولی تهیه شده و دوم بازیگران آن بود ( از آن قبیل است که در جهان سینما بسیار معروف میباشد و شهرت آن بیش از مجموعه فیلم‌های مارلن دیتریش که بوسیله اشتر فیشر تهیه گردیده و با فیلم‌های استانوویک که کاپرا تنظیم نموده میباشد در فیلم تقصیر از کیست بر کبرک حالت خلصه‌ای را مجسم مینماید که جنبه اغراق و مبالغه آن بفیلم صورت دراماتیک میبخشد .

اولین بهره برداری فوق‌العاده‌ای که از فیلم‌های بیصدا بعمل میآید از فیلم چهار سوار مرموز (۱۹۲۱) است که از



از افکار نبودند « هرگز دیده شده است که کسی خود را در مقابل مدنی از زغال گرم نماید ؟ » مورد تعرض مردم واقع نشود **فسکور** فیلم بینوایان را با اشتراک کسابل و کسابل بر رویه نمود فیلمی که بسیار خوب تهیه شده بود .



چارلی چاپلین

چارلی چاپلین در ۱۹۲۱ فیلم **کید** را با تفاق **ژاکی کوفمان** کوچک برداشت و این اولین فیلم مرکب است که در آن هم چارلی **دهم شارلو** وجود دارد . در همین سال دو کلاس فرینکس علامت زرد را تهیه نمود . در ۱۹۲۳ چارلی آخرین فیلم خود را در کارخانه فرست ناسیونال را بنام **ژاکی** تنظیم کرد که داستان فراموش شدن یک شارلوی فراری است که در آسایشگاهی سرگردان می شود . در ۱۹۲۲ دو کلاس فرینکس فیلم **روپن هوو** را بوجود آورد که در آن **والاس پیری** دل ریشارد شیر دل را بسازی می کرد .

یکدسته بسیار بزرگ از ستارگان طبق سلیقه مردم روی کار آمدند : **گلوریا سوانسون** که بوسیله سیسل دومیل پیدا شد ، **مای مورای** ، **لیلیان گییش** ، **پولانگری** ، **کلارا یو** و

ساخت ، وی همواره از یک موضوع کهنه و قدیمی بهره برداری میکرد و با اینحال از آن یک فیلم دقیق تازه و پرازشگرا و بدایع بوجود می آورد . اسب آهنین داستان یک لوکوموتیو قدیمی است که سبک کهنه غربی ساخته شده بود .

تهیه کنندگان که میدیدند بواسطه یک نوع تورم (انفلاسیون) هر روز از ارزش شخص آنها کاسته میشود ، بدون ترس ستارگان تازه تهیه میکردند و مردم نیز در قلب خود برای آنها جا میزدند چنانکه نوزمانا لاج و **کورین گریفیت** با شرف تمام استقبال شدند ایوان موژوخین در فیلم **مرحوم ماتیس پاسکال** از روی کتاب **لوئیچی پیراندلو** بازی میکرد و صحنه برداشته آن **مارسل لریه** بود وی فیلمی متین و پر از مناسقات و ظرافتی که در نزد او عزیز بودند بوجود آورده بود . لریه در سال ۱۹۲۴ فیلم **خلای** **انسانیت** را تهیه کرده بود که بازیگران آن **ژورژت لوبلان** و **ژاک گاتلن** بودند . مثل فیلم دکتر کالیگاری که لریه در سینمای فرانسوی تحت تاثیر آن قرار گرفته بود همه جا شخصیتها قربانی ترسناک فیلم شده بودند از لحاظ سبک بهتر از فیلم روبرتن بود اما محیطهای اضطرابی که در آن بوجود آورده بودند مصنوعی بود .

از سال ۱۹۱۸ **کینگ ویدور** با فعالیت مشغول کار بود فیلمهای او متعدد و همگی دارای فرمول واحد و با برجا بودند ، اما در ۱۹۲۶ بود که شاهکار او بنام **رژه بزرگ** با اشتراک **جون جیلبرورته** آورده از روی طرح **لورانش استینلگ** انتشار یافت . چارلی چاپلین نیز بعد از دو سال سکوت با حالتی که دلیری کمتر اما انسانیت بیشتری در آن آشکار بود در فیلم **جویننده طلا** ظاهر گردید . همراهِ او **جورجیا هیل** و **ماکس واین** بازی میکردند ، در این فیلم چارلی چاپلین خود را چنانکه گویی در عالمی از شمر و تخیلات می باشد نشان داد . دو کلاس فرینکس

بوجود ستارگان بزرگ ندارد .

در ۱۹۲۲ ژاک فیدر فیلمهای **آتلانتید** را پس از آن **کرن گمیل** را تهیه نمود و لوئی دلوک فیلم زن بی خانمان را که ستاره آن **اوفرانسویس** می باشد تهیه نمود . حتی امروز نیز ذوق خاصی که در تهیه این فیلم بکاررفته جلب توجه می کند هیچ چیز در این فیلم کهنه نشده و مخالف ذوق نیست بجز لباسهای زنان که گذشت زمان سبک آنها را تغییر داده است گذشته از آن نکات و قطعات جالبی از قبیل زن بی خانمان روی جاده متروک و یا طفلی که با بارکنک خود بازی می کند و بارکنک اوتام پرده سینما را می پوشاند ملاحظه می گردد .

فناشتروهم (۱۹۲۳ کارخانه متروکلندین مایر) فیلم بر هیجان حرص را که بازیگران آن هنرمند مشهور سینما **لیزا سوزان و چستر کنگلن** می باشد . از روی رمان **فرانک نوریس** تهیه می کند ، مدت نمایش این فیلم هفت ساعت بود ، هفت ساعت برهوجان و مهیب که برای مردمی که با فیلمهای شیرین و لاتینو و رامون نووارد خو گرفته بودند ریشه آور بود ، اما دستهای خارجی آن را کوتاه کرد و بطول عادی برگرداندند بطوریکه مانند فیلم نابردباری بعد از این تغییر دیگر شناخته نشد .

**ژاک فیدر** فیلم **نائر آور** چهره کودکان را تنظیم کرد و **ژاک دو بارونسلی** فیلم ماهیگیران ایسلاند و **دلوک** آخرین فیلم خود طهیان آب را که بازم او فرانسوی در آن بازی میکرد تهیه نمود .

**هانری شوتمت** (۱۹۶۱ - ۱۸۹۶) در ۱۹۲۳ فیلمهای معنوی تهیه می نمود ، و برادر او **رنه کلمر** با فیلم **پاریسی** که **بنخواب** رفته و متن آن بنام **آنتراکت** کار خود را شروع کرد این فیلم در واقع یک رادپوسکوبی ( پرتویینی ) بود که رنه کلمر از شخص خود تهیه نمود . - برای آنکه این اکتشافات مخصوص که در واقع معادنی

**جون پاریمور** ( وی در ۱۹۲۰ اولین فیلم راجح بدکتر جکیل و مسترها پیدا بازی کرد ) **ریشارد بارکلمس** ، **ادولف مانجیو** **توم میکس** و دیگران .

**لون چانی** برای جبران شیرینی رودلف والانتیو پیدا شد ، بنظر مرآمد که قیافه او اقتدر قادر نشان دادن حسالات مختلف است که احتیاج بتفسیر آن بوسیله مومهای پلاستیک و باقرار دادن لکههایی در صلیبه چشم نمیشد و هر نوع حيله و تدبیر سینمایی صورت اورا موحش تر از آنچه بود نمیکرد ؛ وی در ۱۹۲۳ دل کاز بود و را در کوزبشت تتردام بازی کرد .

والانتیو در ۱۹۲۴ با بازی در فیلم مسبوکر همراه با بیه دانیل شهرت خود را بیشتر کرد اما ستاره مشهور و اصلی در این سال دو کلاس فرینکس بود که از روی طرح **لوتایو** فیلم دزد بغداد را تهیه نمود ؛ خنده دانسی ، شادی قلبی و عملیات آکروباسی او آقدر جالب توجه بود که احتیاجی بقالی اسرار آمیز و هزارویکشب نداشت ، اما سحر و ساحری همیشه یکی از فنون سینمایی بوده است .

در بازیگران کمدیک یک نوع مرض مطایبه و خوش مزگی بروز نموده بود که نمونه آن بوستر کبتون بود . در سال ۱۹۲۴ فیلم **شناگر** او در دهان اوقات **دختر خجول** از هارولویده انتشار یافت و باز در همین سال بود که فیلم مشهور سیسل دومیل بنام **فرامین دهگانه** بیازاد آمد و در همین هنگام برادر سیامی او **آبل گانسی** فیلم **نابلتون** را تهیه کرد ؛ وی میخواست در این فیلم وعدهها و نوبدهایی را که ۱۹۲۱ با فیلم **چرخ داده** بود هزار برابر نماید .

ماکس لیندر فیلم **تفنگدار کنگ** را تهیه کرد که ملاحظه آن برای تمام تهیه کنندگان فیلمهای تاریخی ضروری بود . **جون فورن** یکی از اولین فیلمهای خود بنام **اسب آهنین** را منتشر

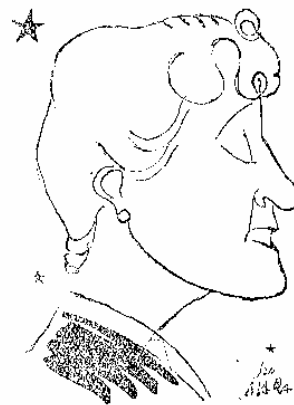


از سلسله حکایت عالی خود بهره برداری می کرد و فیلم دون پریا یسر زورو را بوجود آورد . در اروپا فقط آلمان بود که می توانست در مقابل هالیوود بزاع پردازد . در فرانسه در همین موقع بواسطه نبودن عده ای از احساس مجرب فیلم های بی ثمری بوجود می آمد . بعضی از فیلم های آلمانی شهرت فوق العاده ای در آمریکا بدست آوردند از قبیل فیلم **واریته** (۱۹۲۵) از آ . دی پون که بازیگران آن امیل یانینگس و لیادویوتی بودند و موضوع آن یک داستان زیبا از زندگی آکروباتها بود و فیلم **دانشجوی پراگ** از هنریش گالین که کنترادیف در آن بازی می کرد و در آن اشباح و سایه ها رل عده ای دارند و **کوچه خالی از شرف** از پایست که بازیگران یک شخص تازه وارد در سینمای آلمانی یعنی گرتا گارلو و بازیگر هزارپیشه آلمانی وادو کروس بود در همین اوقات فریتز لاگت فیلم **شروع مترو بلیس** را بوجود آورد و **پایست** در ۱۹۲۷ یکی از بهترین فیلم های خود **بحران** را که شامل نکات گیرنده و موشکافی های زیبایی بود تهیه کرد . بازیگر این فیلم **بریت هلم** بود .

در فرانسه ژاک فیدر فیلم **تورزوک** (۱۹۲۶) با اشتراک **ژیناماتی** را از روی کتاب امیل زولا تهیه نمود و ژان رنوآر یک فیلم عالی بنام **دختر آب** و کمی بعد اثر مطبوع ناسا را انتشار داد . آلبرتو کالاکانتی در ۱۹۲۷ فیلم **در لنگرگاه** را بوجود آورد و شاید ذوق نمایش فیلم های مربوط بینادر سواحل که غالباً در نمایش های فرانسوی دیده میشود بوسیله او ایجاد شده باشد .

رته کلر مثل همیشه بسا نهایت تعقل نکاد مشغول است و شیخ آسیاب قرمز ، مسافرت موهوم را تهیه میکند . ژان اپستین در ۱۹۲۸ فیلم **سقوط خانه اوشر** را از روی کتاب ادگار

و آلبرت یرژان و ژیم ژرالد مردم را بهیجان آورد ، همچنین است فیلم **دی نفر محبوب** او که در سال بعد با اشتراک پیر باچف و فرانسوا

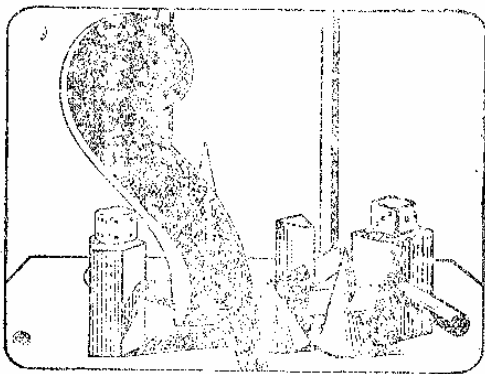


آذروزی تهیه کردید . فیلم های جنگی بنظر می آید که مورد استقبال عموم واقع شده باشد هالیوود فیلم **فتح اما بچه قیمت** را ۱۹۲۶ بسا اشتراک **دی لورس دل ریو** و **ادموند لاوروی بکتور** **ماک لاکلن** تهیه مینماید این فیلم یکی از فیلم های یک سلسله فیلم است که راجع بر سابت کابیه تین **فلاک** و سرگروهستان **کبریت** تهیه شده سپس

فیلم **آهن و آتش** با اشتراک ریچارد بارتمس و فرشته تاریک که بازیگران آن **روئالد کولمان** و **ویلما بانکی** بودند برداشته شد و در حال و در همه این فیلم ها امریکاییان در جنگ های ۱۹۱۸ حسن نیت کامل و فراوان داشتند در ۱۹۲۶ یک فیلم تاریخی بزرگ مانند کابریا و کجا میروی بنام **بن هور** از روی کتاب **لویس - والاس** پیدا شد . موضوع فیلم در ۱۹۰۷ یکبار بکار گرفته بود **فر دینیلو** صحه برد از رامون نو وازوبا جبه رومی بازیگر عده آن بود و صحنه های رنگی نیز در آن فیلم دیده میشود .

بزرگترین شهرت را در این سال فیلم **حرکت ریبا** که موضوع آن یکی از معروفترین داستان های مربوط به نژوون خارجی بود بدست آورد ، بازیگر آن **روئالد کولمان** مشهور بود

آن بو بر می دارد و خلاصه پیشقدمان سینمای فرانسه در همه قدم ر افکار و احوال تمیق میکنند در همین اوقات فیلم های املاک باستان (۱۹۲۸) سناره دریا (۱۹۲۸) صدف و کیش (۱۹۲۸) اثر ژرژ من دولاک و از روی کتاب آنتوان آن آرتونیه میگردد . **لوانی بو نوئل** مردیکه دارای ترس مزمن بود فیلم کامل **سور فالیست** سگ آندالورا تهیه مینماید (۱۹۲۹)



املاک باسکیا (۱۹۲۴)

**مارک آلتگره** از روی **راه پیمائی** آندره ژید فوسلم مسافرت بکنکو را تهیه می کند ، **هارسل کارنه** السدورادوی یکشنبه و ژان وینگو فیلم در خصوص بنس را انتشار میدهند و بالاخره مارسل لریه فیلمی که واقعاً خوب ساخته شده یعنی **پول اثرامیل - زولارا** با اشتراک ریویت هلم و آلره آبل بر می دارد . (ماسینمای صامت فرانسوی حالت تعادل خود را مدیون رته کلر است که در فیلم های او با وجود نبودن کامل از جنبه بشریت چیزی فرو گذار نشده است . فیلم **کلاه از گاه ایتالیائی** (۱۹۲۷) او با اشتراک **الکاجنوا**

که مهارت خود را در ۱۹۲۵ در فیلم **باد بزن لیدی** و بندر مر نشان داده بود امریکاییان بیش از پیش کار می کردند و کلیه هالیوود مترادف بسا لغت سینما شده بود و **وال استریت** موفق گردید که بهترین کارگردانان فرانسوی و آلمانی را بخرد و درآمدهای فوق العاده برای ایشان تهیه نماید . گرتا گارلو در این اوقات دل زنه ای شوم را بازی می کرد و شهرت فوق العاده داشت و هالیوود برای آنکه مسادا دختران تصور کنند که دنیا به کام زنان شوم است **جانت گینور** محبوب را که شبیه دمقلد لیلیان کیش بود وارد بکنامی نماید . و فرانک بورزاژ کارگردان فیلم های او بتقلید از فیلم **شهرت و شیطان** که شهرت گرتا گارلو را هالم کیر کرده و بمقلد بکنفر امریکائی الفبای تحریکات شهوانی مصوب می شد و از روی کتاب **جزیره دوستی** تألیف سودرمان برداشته شده بود فیلم **اسمان هفتیم** در ۱۹۲۷ و سپس **ساعت سعد** را برمی دارد که در آن **جانت گینور** همراه **شارل فارل** بازیگر موی ژولیده هالیوودی روی برده ظاهر می شود . آنگاه **ادموند گوله نیک** از گرتا گارلو و جون جیلبر فیلم **عشق** را از روی کتاب **آناگارلین** تولستوی بر می دارد و از گینور بسلافاصله فیلم **فجر** ظاهر می شود که در آن گینور ظریف با ژورژاوبرن مرد قوی و عضلانی بازی می نماید . ه لیوود برای آنکه جنوبی ها از وجود ستارگان شمالی ناراضی نباشند یک سناره گندم کون جدید را بنام **دی لورس دل ریو** در دل زنه ای شوم ظاهر می سازد وی **فیلم رستاخیز** اثر تولستوی و سپس **عشقه های کارمن** (۱۹۲۷) را بازی می نماید .

استیلا کارگردان شهیر فیلم **هتل شاهی** را با اشتراک گندم کون جدید **پولا نگری** تهیه می نماید و **پول لینی** که تا زگی هالیوود جذب شده علاقه خود را از فیلم های وحشتناک قطع



سواندای بودوکین ۱ از روی کتاب **گورکی** بنام مایور فیلم دیگری راجع بوقایع ۱۹۰۵ تهیه میکند ، اما در این فیلم بازیگران عبارت از موجودات انسانی هستند در ۱۹۲۸ **ایزنشتین** يك فیلم تبلیغی معروف بنام **اکتبر** تهیه مینماید و بودوکین نیز فیلم **خاتمه سن پترزبورگ** را بر میدارد . این دو شخصیت بزرگ سینمایی با وجود فرامین رسمی همیشه سلیقه خود را محفوظ میدارند . ایزنشتین احوال توده‌های مردم و بودوکین از شخصیت‌های نامی را روی پرده می آورد .

در روسیه گاهی ترقیات فنی بموجب قوانین متوقف مینماند و از همین لحاظ است که تا سال ۱۹۳۴ در آنجا فیلم صامت تهیه می شد . در ۱۹۲۶ بودوکین فیلم **اخلاق چنگیز خان یا طوفان روی آسیا** را تهیه نمود و در ۱۹۲۷ الکساندر دوژنکون ( ۲ ) فیلم **زونیگورا** را از روی افسانه‌های کشور خود او کرانی تهیه کرد . در ۱۹۲۹ ایزنشتین فیلم **خط کالی** و دوژنکو فیلم **آرسنال وویکتور تورین** فیلم **تورکسیب** مدرك اساسی راجع بساختمان راه آهن ترکستان و سبیری را تهیه نمود ، در ۱۹۳۰ نیز فیلم **صامت زهین** تهیه گردید .

در سال ۱۹۲۸ **پابست** فیلم **لؤلؤ** را از **لویز پروکر** تهیه کرد ، صحنه‌های تاریک این فیلم از لقص‌های جنسی و کیفیت‌های زنانه با هیجان و تحریک بسیار بازی شده است . سال بعد **پابست** با کمک آرتوله فرانک فیلم **زندانیان گوهستان** را تهیه کرد در این فیلم **لنی ریفتس** نیز دیده می‌شود که مانند **پابست** از لحاظ روان‌شناسی و فرانک از لحاظ زندگی ورزشی یکی از بزرگترین صحنه برداران محسوب می‌شود . در ۱۹۲۹ يك فیلم **جالب دیگر بنام آسفالت از گوستاو** -

لویویک گفته است : سینما ما را در حمایتی از دروغ و تقریباً در محیطی از چیزهای نفرت‌آور وارد میکنند ، زودمانی موجب مینماید و بر غرائز آبی و حیوانی ما مسلط می‌شود و مانع فکر کردن و تجزیه ما میگردد ، با اینحال سینما بنظر من بزرگترین هنرها است و این دو گفته با هم تباين ندارند . در زمان جنگ من در زمانی آکمی‌هایی دیدم که روی آنها نوشته بود : « بازی با توپخانه برای اطفال ممنوع است » . اگر يك طفل یا يك احمق با این توپ و توپخانه‌ای که نانش سینما است بازی کند حتماً بدبختی روی خواهد کرد پس باید بدست اطفال و احمق‌ها بازیچه طبل و شیبور داد و پشت سر دوربین سینما مردان ، مردان واقعی قرار گیرند

سینمای كلك حاضر شده بود که بدرخواستهای واقعی هنر جواب مثبت بدهد و استادان واقعی و مردان حسابی خود را یافته ود اما صدا این وسیله موحش قطع و تبدیل اوضاع را بکلی تغییر داد



لؤلؤ از پابست ۱۹۲۸

کرده بنمایشات تاریخی می‌پردازد و فیلم **هکنیکه** مخینند اثر

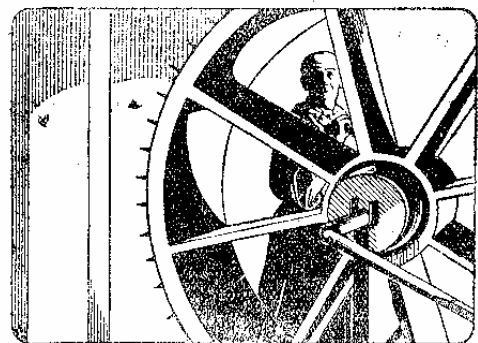


هوگو را با اشتراك **کنراد وید** تهیه مینماید . **الکساندر کوردا** یک نفر کارگردان از اهل **هونگری** که موفقیت‌های ارست لویج او را تشویق کرده فیلم **تفریحی زندگانی خصوصاً هلم شهر تر** را در ۱۹۲۷ تهیه مینماید و **روبرت فلاهرتی** با فیلم **هوآنا** که در ۱۹۲۶ تهیه کرد حکایات مربوط بدریاهای بوجنی را معمول مینماید . در روسیه حوادث جالبی

مربوط بسینما رخ میدهد : در ۱۹۲۵ **سرژی میخائیلویچ** از **نشتین** فیلم **زره دارپو تمکین** (۱) را تهیه مینماید این فیلم مانند پارچه‌ای بود که در آن يك رشته لایف متباين و مختلف از موجودات و اشیاء و مناظر را با استادی تمام بهم بافته باشند ؛ ایزنشتین در این فیلم تاریخ انقلاب ۱۹۰۵ را در دریای سیاه و عکس‌العمل اودسا را روی پرده مینماید . بازیگران آن توده ملت‌اند که با هزار صورت و هزار وضع مختلف ظاهر می‌گردند . ۱۹۲۶ .

(۱) باید دانست که فیلم **زره دارپو تمکین** موقع انتشار شهرت نیافت و فقط صدای شخصیت‌های خارجی سینما بود که بروسها ولی نه بخودریزنشتین کیفیت این فیلم را معلوم ساخت از دو کتاب که راجع بسینمای روسی در فرانسه منتشر شده یکی فقط اسمی از این فیلم میبرد که دیگری آنرا جزو فیلمهای نون متوسط ۱۹۲۵-۱۹۱۷ میدانند اما ده سال بعد از آن **شوش زره دارپو تمکین** شهرتی را که درخور آن بود بدست آورد « **پایه** » مؤلف >

تاریخ تهیه گردید . در ایتالی نیز بعد از فیلم **عجیب لاروزا**



شکنجه وانهادک از کارل دیرر

از **پیر اندئو** (۱۹۲۱) و فیلم **وحشتناک ماسالینا** (۱۹۲۴) دو فیلم نسبتاً قابل توجه دیگری بنام **سطح زمین از آلساندر بلاستی** و دیگری **دو تاد انرمارپو کارمرینی** یک نفر صحنه بردار عمیق و کم ما هو تهیه گردید . چارلی چاپلین که همواره در عقاید خود لجوج است و نمیخواهد بواسطی را که در اختیار فن سینما گذارده شده بپذیرد در سال ۱۹۲۸ فیلم **سیرک** را که کاملاً صامت است تهیه میکند .

اریک فن اشتروهم در ۱۹۲۷ فیلمی تهیه کرد که بدو قسمت اساسی تقسیم می‌شد : یکی **سمفونی ازدواج** و دیگری **ماه غسل** ؛ این فیلم يك اثر قوی ، يك داستان زنده و شاید زنده‌ترین داستانهایی باشد که از ابتدای تاریخ سینما تا حال برداشته شده است .